

سال دوم

جلسه ۳۲

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

یکشنبه ۹۰ / ۸ / ۲۱

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگسی نتند  
حرفی نتند  
هم معنا هستند

قول اول

بزرگسی نتند  
حرفی نتند  
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

نظریه اول:  
نظریه مرحوم نائینی

## اشکال مرحوم خوئی (۱)

معانی اسماء، «اخطاری» هستند  
ولی معنای حرفی «ایجادی» نیستند

چراکه: معانی حرفی اگرچه مستقل نیستند و به مفاهیم اسمی تعلق دارند  
ولی این مطلب سر از «ایجادیت حروف» در نمی آورد

چراکه :

- در ذهن دو مفهوم مستقل داریم (مفهوم زید و مفهوم دار)
- این دو مفهوم، به وسیله مفهوم غیر مستقل ذهنی به هم پیوند داده شده اند
- حال حرف «فی» حکایت می کند از آن «مفهوم غیر مستقل ذهنی».

اشکال مرحوم خوئی (۱)

حرف «فی» : مفهوم غیر مستقل ذهنی را «ایجاد» نمی کند.  
بلکه : «حکایت» می کند از معنایی (مفهوم غیر مستقلی) که موضوع له «فی» است

به اعتبار آن معنا : حرف «رابط» است بین مفاهیم اسمی

پس چنین نیست که : حرف، ربط را ایجاد کند  
چنین نیست که : واقعیتی برای حرف در غیر ترکیب های کلامی نباشد.

پس :

نتیجه :

اسماء : حکایت می کنند از «معانی اسمیه» و مفاهیم اسمیه ذهنیه  
حروف : حکایت می کنند از «مفاهیم غیر مستقل ذهنی».

اشکال مرحوم خوئی (۱)

طبق مبنای مرحوم خوئی :

- لفظ «زید» حاکی از «مفهوم زید» است

- لفظ «دار» حاکی از «مفهوم دار» است

- و لفظ «فی» حکایت از «مفهوم غیر مستقل» که رابط است

در حالیکه:

در عالم ذهن، «مفهوم زید» داریم که به وسیله ذهن انسانی به «مفهوم دار» پیوند خورده! پس: لفظ «فی» حاکی از آن کاری است که «ذهن» انجام می دهد (که مفهوم ندارد) و نه آنکه حاکی از مفهوم غیر مستقل ذهنی باشد.

ما  
می گوییم:

لعل:

مراد مرحوم نائینی از «ایجادیت»، همین باشد

اشکال مرحوم خوئی (۱)

ذهن ما حکم می کند که : «مفهوم زید» با «مفهوم قائم» متحد است

در اینجا : «ذهن»، ربط را بین این دو مفهوم ایجاد می کند.

در اینجا : «هیأت»، حکایت گر از این فعل نفس است

در «زید فی الدار» :

ذهن : بین «مفهوم زید» و «مفهوم دار» یک نحوه ارتباطی ایجاد می کند

«فی» : از آن «وجود رابط» در محیط ذهن، حکایت می کند

نکته  
مهم

این تبیین با آنچه از مرحوم بجنوردی خواندیم نیز متفاوت است  
ایشان می گوید: ذهن از ابتداء مفهوم بسیط «زید القائم» را پدید می آورد  
و اشاره به «حکم نفس» و ایجاد این «ارتباط» نمی کنند

و این مطلب - اگر همان مطلب باشد که ایشان می فرماید - به معنای آن است که:  
آنچه ما در ذهن داریم، «تصور» است = «تصدیق» در اذهان ما نیست

اشکال مرحوم خوئی (۲)

این فرمایش مرحوم نائینی، حرف درستی نیست!  
«معانی اسمیه در حال استعمال، مغفول عنها نیستند و معانی حرفیه، مغفول عنها هستند»

تقریر کلام  
ایشان

چراکه :

گاه معانی حرفیه، مورد لحاظ استقلالی قرار می گیرند  
بلکه : چه بسا اکثراً همین معانی حرفیه، مورد لحاظ استقلالی هستند

اگر «نسبت» از معانی حرفیه است:  
محال است مورد «لحاظ استقلالی» قرار گیرد

اشکال شده



اشکال مرحوم خوئی (۲)

«لحاظ آلی» داشتن با اینکه شیء «مراد بالذات» باشد، قابل جمع است و «لحاظ استقلالی» داشتن با «طریقیت» قابل جمع می باشد

دو برداشت از کلام مرحوم نائینی :

اگر : مراد از «مغفول عنها بودن حروف»، آن است که حروف «آلیت» دارند در این صورت : اشکال مرحوم خوئی وارد نیست  
چراکه : می شود چیزی آلیت داشته باشد و مراد بالذات باشد

اگر : مراد از «مغفول عنها بودن حروف»، یعنی معنای حرفی «مورد غفلت» هستند در این صورت : اشکال مرحوم خوئی وارد است  
چراکه : معنای آلی می تواند مورد غفلت نباشد و مطلوب بالذات باشد.

ما  
می گوئیم

اشکال مرحوم خوئی (۲)

دو نتیجه گیری متفاوت :

اگر : مرحوم خوئی نتیجه بگیرند که:  
«چون معنای حرفی مطلوب بالذات هستند، پس آلی هم نیستند»  
= نتیجه غلطی است

اگر : بخواهند نتیجه بگیرند که:  
«معنای حرفی علیرغم آنکه لحاظ آلی دارند، مطلوب بالذات هم می باشد»  
= حرف ایشان کامل است

ما  
می گوئیم

جمع بندی :

«حروف» با «معنای حرفی»، تفاوت دارند

یعنی :

- حروف حاکی از معانی حرفیه هستند
- معانی حرفیه نیز مفهوم ندارند = بلکه فعل نفس هستند.
- «فعل نفس» مفهوم غیر مستقل نیست